

اینترنت و هویت

* عباس گرگی

E-mail: agorgi2004@yahoo.com

چکیده:

بدون تردید، ورود فن‌آوری‌های ارتباطی - به‌ویژه اینترنت - دگرگونی‌های بنیادینی را در ساختار مناسبات و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است. پی‌آمد این امر شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات انسانی است که ضمن تمایز از الگوهای ارتباطی مرسوم در رسانه‌های ارتباط جمعی، عملاً فرصت‌های نوینی را در جهت تجلی خود و هویت، به‌وجود آورده است. از آن‌جا که اینترنت امروزه به‌عنوان بخشی از تجربیات و زندگی روزمره‌ی افراد درآمده است، بالتبع شناخت جامعه‌ی نوین مستلزم بررسی همه‌جانبه‌ی الگوهای ارتباطی موجود در جامعه می‌باشد. از این‌رو، ما در این مقاله تلاش خواهیم‌کرد تا ضمن بررسی آثار اینترنت بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، مهم‌ترین پی‌آمدهای آن را در تکوین و برسازی هویت (فردی و جمعی)، بر مبنای روی‌کردهای نظری مختلف، مورد ارزیابی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌شدن، اینترنت، هویت، حوزه عمومی، اجتماعات

مجازی

طرح مسأله

مطالعات موجود نشان می‌دهد که رشد و گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی^۱ عامل عمده‌ای در شکل‌گیری تجدد و فرایند جهانی‌شدن^۲ و به دنبال آن هویت فردی و اجتماعی بوده‌است. در بین پژوهشگران کلاسیک، مارشال مک لوهان^۳ برای نخستین بار، بر نقش رسانه‌های نوین ارتباطی در فشردگی زمان و مکان و شکل‌گیری یک دهکده جهانی^۴ تاکید نمود (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۶۸). به اعتقاد وی، وجه ممیزه‌ی دوره‌های تاریخی در هر جامعه، وسایل پیام‌رسانی آن‌ها است، که خود تعیین‌کننده‌ی الگوهای فرهنگی و قدرت سیاسی می‌باشد (تاملینسون، ۱۳۸۰: ۳۱۰ و ۳۱۱). نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ی فن‌آوری‌های ارتباطی در فشردگی زمان و مکان، باعث شده است تا برخی از صاحب‌نظران هم‌چون، «گیدنز» و «هاروی» اساساً جهانی‌شدن را تجربه‌ی متفاوتی از زمان و فضا بدانند. که عمدتاً از طریق تحلیل‌بردن فضا - مکان و تبدیل جهان به حوزه‌ای واحد، ایجاد می‌گردد. به اعتقاد گیدنز، فرایند فشردگی زمان و فضا عامل عمده‌ای در فرایند جهانی‌شدن و کنش از دور یا با فاصله^۵ می‌باشد که در نتیجه‌ی نوسازی و برهم‌خوردن نظم و نسبت سنتی مکان، فضا و زمان^۶ به‌وجود آمده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۶۸-۷۵). کاهش اهمیت مکان و زمان در روابط اجتماعی و فضامندشدن مناسبات اجتماعی، عملاً امکان‌کنش و برقراری ارتباط در سطحی فراتر از مکان و جغرافیایی خاص را فراهم ساخته است و منجر به پیدایش آگاهی از جهان به مثابه‌ی یک کل گردیده‌است؛ امری که نیاز به تعریف بسیاری از مفاهیم مختلف فردی و جمعی را بر اساس یک مقیاس جهانی ضروری می‌سازد. در این میان هویت نیز، به‌عنوان مجموعه‌ای از هم‌سانی‌ها و تمایزات که به موجود انسانی ویژگی منحصربه‌فردی می‌دهد، با چالشی جدی مواجه شده است. چنین امری، عمدتاً به‌دلیل نقش تعیین‌کننده‌ی زمان و مکان در امر هویت‌سازی و تداوم آن، و هم‌چنین رشد فرایند بازاندیشی در جامعه‌ی معاصر می‌باشد، که در جریان جهانی‌شدن ارتباطات، در معرض دگرگونی قرار گرفته‌است. با توجه به این مقدمه، از آن‌جا که فن‌آوری‌های نوین ارتباطی به‌ویژه اینترنت نقش قابل‌ملاحظه‌ای را در تشدید فرایند جهانی‌شدن داشته‌اند،

۱- Information Technologies

۲- Globalization

۳- Mc. Luhan

۴- Global Village

۵- Action at Distance

۶- Time-space distantiation

ما در این نوشتار تلاش خواهیم کرد تا عمده‌ترین تأثیرات بالقوه و بالفعل اینترنت را در امر تکوین و بازسازی هویت مورد بحث قراردهیم. نخست آن‌که اینترنت از طریق چه سازوکارهایی بر هویت فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد؟ از سوی دیگر، با توجه به اهمیت وبلاگ‌ها به‌عنوان یکی از حوزه‌های مجازی، روند شکل‌گیری هویت در این قلمرو چه‌گونه می‌باشد؟ و وبلاگ‌ها در عمل تا چه میزان قادرند زمینه را برای دستیابی به وضعیت آرمانی مکالمه و مفاهمه و اجماع فراهم آورند؟ اینترنت و قابلیت‌های آن، عملاً چه تأثیری بر شکل‌گیری اجتماعات مجازی ایفا می‌کند و این امر را بیش‌تر از طریق چه سازوکارهایی اعمال می‌کند؟ در نهایت، اینترنت با توجه به وضعیت ایران، چه تأثیری را بر روند هویت‌یابی فردی و اجتماعی به‌همراه داشته و در این رابطه چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را ایجاد خواهد نمود؟

چارچوب مفهومی

رهیافت‌های نظری جامعه‌شناسی درباره‌ی اینترنت و اجتماع

تأثیر تحولات تکنولوژیک و فن‌آوری‌های ارتباطی بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، موضوعی است که بسیاری از صاحب‌نظران به بررسی آن پرداخته‌اند. به اعتقاد کاستلز؛ از آن‌جا که انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه‌ی فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود و ساخته‌ی تاریخ می‌باشد، با ظهور تکنولوژی جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردند (کاستلز، ۱۲۸۳: ۳۸۳). کاستلز بر نقش و جایگاه اینترنت به‌عنوان زیرساخت اساسی جامعه‌ی اطلاعاتی تأکید می‌کند که ضمن به‌کارگیری و اعمال قدرت در عصر جهانی‌شدن، پویایی‌ها و پیچیدگی‌های آن را افزایش می‌دهد و منجر به پیدایش جامعه‌ای شبکه‌ای می‌گردد. شاید مهم‌ترین بحث کاستلز را در این رابطه، بتوان ارتباط بین شبکه و خود دانست که در نهایت در شکل‌گیری هویت، نقش به‌سزایی دارد (والکمر، ۲۰۰۰). این اهمیت و توانایی اینترنت در تغییر و تحولات اجتماعی را اساساً باید در ماهیت این فن‌آوری چندرسانه‌ای و ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن مورد ارزیابی قرار داد. ویژگی‌هایی چون: تمرکززدایی، تنوع بی‌شمار مطالب و اطلاعات، مجازی بودن، کاهش اهمیت زمان و مکان، جهانی و تعاملی بودن این رسانه و هم‌چنین امکان دسترسی آسان، سریع و ارزان به اطلاعات، ازجمله دلایل تفوق و تمایز این رسانه



نسبت به رسانه‌های ارتباط جمعی می‌باشد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۰-۱۲۳). به دلیل اهمیت این موضوع، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به جنبه‌های مختلف این رسانه در مطالعات جامعه‌شناسی به وجود آمده است. بر اساس رویکرد دورکیمی، به‌طور کلی، رسانه‌های تعاملی و دوسویه، نظیر تلفن، همبستگی‌های ارگانیک را در جامعه افزایش می‌دهد. در حالی که رسانه‌های یک‌سویه، عملاً منجر به بازنمایی‌های جمعی می‌گردد. در این رویکرد تأثیر تغییرات فنی بر ارتباطات و روابط بین فردی و گروهی و همچنین پی‌آمدهای آن بر ایجاد پیوستگی و انسجام و متقابلاً بر تفرق و چندپارگی جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد (نیومن، هارگیتای، دیمگیو، ۲۰۰۱). یکی از مباحثی که در این رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد، ارتباط بین رسانه‌ها و سرمایه‌ی اجتماعی^۱ می‌باشد. در این رابطه، مطالعات گیبسون^۲ نشان می‌دهد که اینترنت و کاربرد آن تأثیر مستقیمی بر سرمایه‌ی اجتماعی دارد (همان). در حقیقت، اینترنت می‌تواند از طریق افزایش و برقراری ارتباطات دوسویه، ایجادکننده‌ی نوعی سرمایه‌ی اجتماعی باشد. مطالعات نشان می‌دهد که ارتباطات آنلاین نقش مهمی در سازمان‌دادن و ایجاد پیوندهای اجتماعی در بین گروه‌های مختلف دارد. این در نهایت می‌تواند به افزایش تعهد مدنی، اعتماد و مشارکت اجتماعی بیش‌تری منجر شود و مبنای مناسبی در جهت تحول و انتقال جامعه‌ی مبتنی بر گروه به جامعه‌ی مبتنی بر شبکه قرار گیرد. از سوی دیگر، اینترنت مزایا و منافع بسیاری را برای افراد و گروه‌ها با هویت‌های غیرمتعارف دارد. در حقیقت، افزایش ارتباطات متقابل و آنلاین، زمینه را برای شکل‌گیری و ظهور انواع اجتماعات مجازی و به‌تبع آن هویت‌های گوناگون، حول محورهای مختلف فراهم می‌سازد (کوان و ولمن، ۲۰۰).

در مقابل این رویکرد، رهیافت‌های مارکسیستی، بر استثمار رسانه‌ها و نقش آن‌ها در افزایش کنترل و نظارت در جامعه توجه دارند. در این رویکرد هم‌چنین بر دسترسی نابرابر رسانه‌ها و تقسیم دیجیتال^۳ بین اعضای یک جامعه و در سطحی گسترده‌تر بین جوامع در حال توسعه و توسعه‌یافته تأکید می‌شود. علاوه بر دسترسی نابرابر به رسانه‌ها، برخورداری نابرابر از مهارت‌های لازم جهت استفاده‌ی بهینه و مناسب از این فن‌آوری، یکی از مواردی است که این نابرابری را حتی در صورت دستیابی فیزیکی به این

۱- Social Capital

۲- Digital Divide

۳- Gibson



رسانه‌ها تشدید می‌کند. بنابراین، اینترنت تنها زمانی می‌تواند مفید واقع گردد که نابرابری‌های موجود در جامعه در جهت دسترسی مؤثر به آن کاهش‌یابد (نیومن، هارگیتای، دیمگیو، ۲۰۰۱).

در نهایت، در روی‌کرد وبری، تأکید عمده‌ای بر تأثیر رسانه‌ها در رشد و پیشرفت عقلانیت و جامعه‌ی مدرن از طریق کاهش محدودیت‌های زمان و مکان، و پخش پیام در سطحی وسیع می‌گردد. دانیل لرنر^۱ در کتاب «گذار از جامعه سنتی» به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر سنت و فرایند نوسازی در خاورمیانه می‌پردازد. به اعتقاد وی، رسانه‌های ارتباطی ضمن افزایش انعطاف‌پذیری افراد، قابلیت انطباق آن‌ها را با موقعیت‌های جدید ممکن می‌سازد. علاوه بر این، رسانه‌ها از طریق کاهش تقید افراد به سنت‌ها و امکان تجربه و گزینش آزادانه‌ی شیوه‌های زندگی، می‌توانند عامل عمده‌ای در زوال سنت و انتقال جامعه از کنش و اقتدار سنتی به کنش و اقتدار عقلانی بوده و باعث بسط و گسترش جامعه‌ی مدنی، دموکراسی و حوزه‌ی عمومی گردند (تامپسون، ۱۳۸۰: ۲۵۳). یکی از مباحثی که در قالب این رهیافت مورد بررسی قرار می‌گیرد، تأثیر حوزه‌ی مجازی و وبلاگ‌ها در تحقق حوزه عمومی و «وضعیت آرمانی مکالمه» می‌باشد.

اینترنت و هویت

پژوهش‌های اخیر در حوزه‌ی رسانه‌های ارتباطی، توجه ویژه‌ای را به اینترنت و قابلیت‌های آن در زمینه‌ی ساخت هویت و فرایند هویت‌یابی افراد و گروه‌های اجتماعی و سیاسی معطوف کرده‌است. از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰م تأکید خاصی از سوی پژوهشگران به اینترنت به‌عنوان فضایی برای برسازای هویت گردیده‌است (لمپ و پاستر^۲، ۲۰۰۲). بسیاری از این مباحث ناظر بر کنش متقابل افراد در فضاها‌ی مجازی^۳ و مباحث آنلایین در چت‌روم‌ها، وبلاگ‌ها و گروه‌های خبری و... است. به‌طورکلی، انقلاب نوین اطلاعات، با پایان دادن به ارتباطات جمعی یک‌طرفه، رابطه‌ی مخاطبان با رسانه‌های ارتباطی را دستخوش تحولی اساسی نموده‌است. ماهیت دوسویه و تعاملی اینترنت باعث شده‌است که هر فردی در هر لحظه هم دریافت‌کننده و هم ارسال‌کننده‌ی پیام

۱- D. Lerner

۲- Cyber Space

۳- Lamp & Poster

باشد، به نحوی که اساساً تمایز بین تولیدکننده و مصرف‌کننده‌ی اطلاعات به‌نحوه فزاینده‌ای دشوار می‌گردد (یانگ و کافمن، ۲۰۰۱: ۸-۱۲). این ویژگی‌ها موجب شده‌است که برخی از صاحب‌نظران، اینترنت و قابلیت‌های موجود در آن را زمینه‌ساز ورود اجتماع انسانی به تمدن و هویتی نوین بدانند؛ دورانی که از آن تحت عناوین گوناگونی نظیر مدرنیته بازانديشانه، جامعه‌ی پسامدرن و جامعه‌ی اطلاعاتی یاد شده‌است. در این رابطه، داگلاس کلنر^۱ در شرح روند هویت‌یابی جوامع به سه مرحله‌ی اساسی (هویت پیشامدرن^۲، مدرن و پسامدرن^۳) اشاره می‌کند (کلنر، ۱۹۹۷). کلنر در کتاب «فرهنگ رسانه» بر این باور است که هویت پسامدرن و ویژگی‌های عمده‌ی آن نظیر بی‌ثباتی، سیالیت و درهم‌آمیختگی را به‌میزان زیادی باید ناشی از نفوذ بی‌ثبات‌کننده‌ی فرهنگ رسانه‌ها (تبلیغات - مد و مصرف) دانست که پیوسته در حال تضعیف و بی‌ثبات کردن هویت‌ها هستند (همان). در این باره، جان بودریار^۴ و فردریک جیمسون^۵ نشان می‌دهند که چه‌گونه خویشن‌هایی را که مدرنیسم به‌سختی به‌دست آورده‌بود، به‌دلیل مصرف‌گرایی و فرهنگ توده‌ای از بین می‌رود. مارک پاستر^۶ نیز در کتاب «عصر دوم رسانه‌ها»، ارتباطات مبتنی بر رسانه‌های الکترونیکی را عامل عمده‌ای در شکل‌گیری ذهنیت و هویت متکثر و ناپایدار می‌داند که ضمن ایجاد تردید نسبت به یقین‌های گذشته، امکان شکل‌گیری هویت‌های چندپاره و ناپایدار تقویت می‌گردد (پاستر، ۱۳۷۷: ۱۶). تمرکززدایی و امکان برقراری یک ارتباط کم‌تر سانسور شده و دوسویه و هم‌چنین گمنامی فرد در فضاهاى مجازى اینترنت، امکان شکل‌گیری نوع ویژه‌ای از حوزه‌ی عمومی را فراهم می‌سازد که در آن افراد عملاً قادر خواهند بود تا بسیاری از مفاهیم مسلم در حوزه‌های مختلف زندگی را به چالش گرفته و آن را به موضوعی جهت بحث و بازانديشى عمومي قرار دهند. ویژگی بازانديشانه‌ی اینترنت برخی از صاحب‌نظران نظیر بک و گیدنز را معتقد ساخته است که اینترنت نه امری تصادفی؛ بلکه ناشی از رشد و توسعه‌ی نهادی مدرنیته متأخر یا آنچه که آن‌ها مدرنیته بازانديشانه^۷ خوانده‌اند، بدانند. بخش عمده‌ای از مباحث و بلاگ‌ها و فضاهاى مجازى،

۱- Kellner

۵- F. Jameson

۲- Premodern

۶- M. Poster

۳- Postmodern

۷- Reflexive Modernization

۴- J. Baudrillard

چیزی است که گیدنز از آن تحت عنوان سیاست‌های زندگی یاد می‌کند (آلریخ، ۲۰۰۴). به اعتقاد وی: سیاست زندگی مستلزم سطح معینی از رهایی است که فرد بتواند از ثبات و تغییرناپذیری آزاد شود و فارغ از سلطه‌ی سلسله‌مراتبی، گزینش آزادانه‌ی شیوه‌ی زندگی دست زند و زمانی را صرف بازاندیشی خویشتن نماید. اینترنت این امکان را فراهم می‌سازد تا افراد با تجربیاتی مواجه شوند که به‌طور معمول از چرخه‌ی نظم زندگی روزمره حذف شده‌اند. اینترنت هم‌چنین به افراد امکان می‌دهد که در شیوه‌های زندگی خود دگرگونی ایجاد کنند و با تبادل تجربیات و به‌چالش کشیدن بسیاری از مفاهیم و تعبیر زندگی و بازپرسی متقابل، به تجربه‌های جدیدی دست یابند. در این رابطه، ضمن مکان‌زدایی از روابط اجتماعی، افق‌های فرهنگی ما را به روی آداب و رسوم و روش‌های گوناگون زندگی بازنموده و درک جدیدی از جهان، به‌عنوان یک بافت اجتماعی فرهنگی و اخلاقی معنادار ایجاد می‌کند (تاملینسون، ۱۳۸۰: ۲۲۹). از این‌رو شاید بتوان مهم‌ترین ویژگی این عصر را همان‌گونه که هاروی اشاره می‌کند: چندپارگی، تکثر و عدم تعین سیاست‌های هویتی دانست. که پی‌آمد آن را می‌توان در جابه‌جایی و تمرکززدایی و تجزیه و تضعیف منابع جمعی هویت نظیر طبقه، اجتماع و کاهش وفاداری‌ها و پیوندهای سیاسی مشاهده نمود (گیلز پی، ۱۹۹۵: ۱۶).

تأثیر وبلاگ‌ها در شکل‌دهی به هویت کاربران

به‌لحاظ مفهومی، وبلاگ ترکیبی از دو واژه‌ی انگلیسی "web" و "log" به معانی «شبکه» و «یادداشت» است که افراد و گروه‌ها با استفاده از آن قادر خواهند بود به انتشار غیررسمی اندیشه‌های خود و ارتباط با یکدیگر بپردازند. به‌طور کلی وبلاگ‌ها نوع خاصی از وب‌سایت‌ها می‌باشند که به‌طور روزمره و در یک نظم زمانی مشخص نوشته می‌شوند. از منظر ارتباطی، وبلاگ‌ها نه‌تنها عامل عمده‌ای در انتقال اطلاعات هستند؛ بلکه متعاقباً نقش عمده‌ای را در دریافت اخبار و گزارش‌ها ایفا می‌کنند. بر این اساس، بسیاری از وبلاگ‌نویسان عملاً فرصت پاسخ‌گویی و نقد مطالب خود را به خوانندگان می‌دهند. ویژگی گمنام‌بودن فرد در محیط‌های مجازی، این فرصت را برای کاربران ایجاد می‌کند تا رها از محدودیت‌های موجود در جهان واقعی (نظیر: بدن، جنسیت، نژاد و طبقه) و سایر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بتواند به هویتی متمایز از هویت موجود خود در جهان واقعی دست یابند (ویجینیا، ۲۰۰۴).

در سال‌های اخیر مطالعات مختلفی توسط پژوهشگران در ارتباط با تأثیر محیط‌های

مجازی وبلاگ‌ها بر هویت انجام گرفته‌است. در این زمینه، دیوید چاندلر^۱ با روشی پدیدارشناسانه به ارایه‌ی گزارشی قوم‌شناسانه درباره‌ی ساختارهای وب و هویت می‌پردازد. به عقیده‌ی وی: ایجاد صفحات وب و استفاده از آن، به‌گونه‌ای نشانگر ساختار هویتی کاربران و تولیدکنندگان آن و همچنین محیطی برای نمایش و معرفی شخصیت افراد می‌باشد. به عبارت دیگر: وبلاگ‌ها به افراد این فرصت را می‌دهند تا خود را به روش‌های متفاوتی ارایه دهند. در مجموع، یافته‌های چاندلر بیانگر مشارکت فعال و آگاهانه‌ی افراد در ایجاد وبلاگ‌ها و امکان تغییر متناوب و پیاپی تجربیات آنان در فضاهای مجازی می‌باشد (اسلوین، ۲۰۰۰: ۱۱۴-۱۳۸). برخی از مطالعات نیز با مقایسه‌ی وبلاگ‌ها با آنچه که هابرماس در زمینه‌ی وضعیت آرمانی مکالمه مطرح می‌سازد، به دنبال بدیلی در جهت تحقق آنچه که وی در این خصوص می‌گوید، هستند. به عنوان مثال: آندریو بویل^۲ در مطالعات خود، وبلاگ‌ها و فضاهای مجازی اینترنت را عامل عمده‌ای در واقعیت بخشیدن به ایده‌آل‌های هابرماس می‌داند (بویل، ۲۰۰۰). به اعتقاد این گروه از محققان: ویژگی‌هایی هم‌چون دسترسی عام و همگانی، امکان طرح مباحث و نظرات به‌شیوه‌ی آزادانه و فارغ از پایگاه اجتماعی و اقتصادی و عقیدتی افراد و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی موجود و هم‌چنین امکان به چالش کشیدن نقطه‌نظرات دیگران، دلایل عمده‌ای بر ماهیت رهایی‌بخش این رسانه می‌باشد (گوردن، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر: وبلاگ‌ها می‌توانند ایجادکننده‌ی نوع جدیدی از دموکراسی باشند که در آن اجماع و توافق نه از طریق رسانه‌های جمعی؛ بلکه اساساً از طریق فرایند مکالمه و گفت‌وگو در بین افراد و گروه‌های اجتماعی ایجاد می‌گردد. از سوی دیگر، وبلاگ‌ها از طریق تأثیرگذاری بر سه قلمرو ذهنیت (بیان خود)، عینیت، (دستیابی به شناخت مشترک) و بیناذهنیت (نقد اجتماع) قادرند تا فضایی را برای همه‌پرسی و مفاهمه فراهم آورند (ایتو، ۲۰۰۴). یکی از دلایل عمده‌ای که می‌تواند تاحدودی توجیه‌کننده‌ی این امر باشد، پویایی اینترنت و صفحات وب^۳ و هم‌چنین ماهیت رهایی‌بخش آن می‌باشد. انعطاف‌پذیری متون الکترونیکی و ساختار فضاهای مجازی در این قلمرو، عملاً امکان بازنمایی و تفسیر و تأمل در خود و برقراری ارتباط آزاد و مستقل را فراهم می‌سازد. طبق نظر دریدا^۳: خواننده در نوشتار الکترونیکی همانند

۱- D. Chandler

۲- Anderw Baoill

۳- Derrida

۳- Web Page

صفحات وب، نقش مؤثری را در خوانش و تأویل متن، همراه با نویسنده ایفا می‌کند. به‌نحوی که همواره تمایز قدرت، بین نقش خواننده و نویسنده در این متون دشوار می‌گردد. در چنین متونی، نویسنده از طریق پست الکترونیکی، نوشتار خود را در ارتباط مستمر با خوانندگان قرارداد و مخاطبان نیز در خوانش متن این امکان را دارند تا به‌طور هم‌زمان با برقراری ارتباط با دیگر سایت‌ها و منابع اینترنتی به یک ارتباط بینامتنی^۱ دست یابند؛ امری که در نهایت می‌تواند امکان شالوده‌شکنی و ساختارزدایی^۲ از متن را فراهم سازد (نیومن، هارگیتای، دیمگیو، ۲۰۰۱).

تأثیر اینترنت بر شکل‌گیری اجتماعات مجازی

اینترنت نه تنها قادر است تا دگرگونی بنیادینی را در ساختار هویت فردی ایجاد کند؛ بلکه هم‌زمان می‌تواند عامل عمده‌ای در احیا و اشاعه‌ی هویت گروه‌های حاشیه‌ای جامعه (نظیر اقلیت‌های قومی نژادی مذهبی، زنان و جوانان) گردد. بسیاری از این گروه‌ها، اینک توانسته‌اند ضمن بهره‌گیری از توان‌ها و ظرفیت‌های موجود در اینترنت و با ایجاد اجتماعات مجازی، امکان بازاندیشی و بازسازی و احیای مجدد، هویت خویش را بیابند و عملاً از طریق برقراری ارتباط با دیگر گروه‌ها و اقلیت‌ها در سراسر جهان و یکپارچه نمودن خواست‌ها و تمایلات خود در عرصه‌های ملی و جهانی، به نیرویی مؤثر در تغییر سیاست‌های هویتی مبدل گردند (محمدی، ۲۰۰۲: ۴۷). به عقیده‌ی آپادوریا^۳: از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد، رسانه‌های الکترونیکی، در کنار مهاجرت‌های گسترده، موجب برقراری ارتباطات گسترده بین مردم - فارغ از مرزهای جغرافیایی و ایدئولوژیک - شده‌اند و امکان شکل‌گیری یک حوزه‌ی عمومی گسترده در بین اجتماعات پراکنده^۴ مهاجران را در سراسر جهان فراهم نموده‌اند. وی متأثر از بندیکت اندرسون^۵ بر اهمیت ایجاد یک اجتماع خیالی^۶ از طریق رسانه‌های جمعی تأکید می‌کند. با این حال، آپادوریا بر خلاف هابرماس - که حوزه‌ی عمومی را عامل عمده‌ای در جهت بسط اشکال عقلانی ارتباطات می‌داند - معتقد است که چنین حوزه‌ای عملاً فراتر از

۱- Intertextual Relation

۲- Deconstruction

۳- Appadurai

۴- Diasporas

۵- Benedict Anderson

۶- Imagined Community

۷- Fundamentalism

۸- P. Mandaville

کنش و ارتباطات عقلانی مورد نظر می‌باشد. لذا، وی بر اشکال مختلفی از اجتماعات جدید نظیر ملی‌گرایی، بنیادگرایی^۷ و فرایند بالکانیزه شدن تأکید می‌نماید (همان). در همین رابطه، پیتر مندویل^۸ نشان می‌دهد که چه‌گونه اقلیت‌های مسلمان در سراسر جهان با توسل به رسانه‌های نوین ارتباطی - به‌ویژه اینترنت - ضمن دگرگونی در مرزبندی‌های هویتی و سیاسی اسلام، تلاش گسترده‌ای را در جهت تشکیل یک امت مجازی و طرح ایده‌های اسلامی در سطح جهانی معطوف ساخته‌اند. در حقیقت، شکل‌گیری چنین اجتماعاتی را باید نمونه‌ی مناسبی از جهانی‌شدن امر محلی^۱ دانست (۴۷-۴۹). چنین شواهدی بیانگر این است که حتی افزایش تعاملات بین‌فردی و تمدنی در سطح جهان نیز در نهایت نمی‌تواند، با توجه به ماهیت دوگانه‌ی جهانی‌شدن و دیالکتیک امر محلی و جهانی، زمینه‌ساز پیدایش یک هویت و فرهنگ همگن جهانی گردد. لذا، نه تنها هویت‌های جمعی؛ بلکه تغییر در هویت شخصی نیز در قالب دو قطب دیالکتیک محلی و جهانی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر: حتی تغییر و دگرگونی در جنبه‌های بسیار خصوصی زندگی شخصی نیز مستقیماً با تماس و ارتباطات اجتماعی بسیار وسیع و پر دامنه مرتبط می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۵۷). همراه با نفوذپذیری مرزهای جغرافیایی، عقیدتی و سیاسی و کاهش اقتدار رژیم‌های سیاسی در تحمیل یک هویت مشروعیت‌بخش و فراگیر از طریق انحصار رسانه‌ها، هویت‌های چندگانه در بستری از تفاوت و تمایز با یکدیگر به تعامل و ارتباط پرداخته و امکان تداخل، هم‌پوشی و درهم‌آمیختن عناصر هویتی متفاوت و هم‌چنین تجدید ساختار رادیکال زندگی اجتماعی فراهم می‌گردد. این امر می‌تواند، ضمن تشدید ارتباطات بین‌فرهنگی در عرصه‌های بین‌المللی، چرخه‌ی فرهنگ و نظام بازتولید معانی را در گستره‌ای وسیع‌تر از مرزها و چارچوب‌های ملی به‌گرددش درآورد (قوام، ۱۳۸۳: ۳۷۱). در این خصوص، راین گولد^۲ در کتاب «اجتماعات مجازی»^۳ تلاش می‌نماید تا با آرایه‌ی نگرشی انسان‌گرایانه توان‌ها و فرصت‌های بالقوه‌ی اجتماعات مجازی را در فرایند دموکراتیزه‌نمودن ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و بسط حوزه‌ی عمومی جامعه را نشان دهد (کرن، ۲۰۰۲: ۱۷۱-۱۷۳).

با این حال، اگرچه اکثر ناظران اجتماعی در این باره که اینترنت تأثیر عمده‌ای را بر

۱- Globalization of Local

۲- Virtual Communities

۳- Rheingold

جامعه خواهد داشت توافق نظر عمده‌ای دارند. اما درباره‌ی این‌که این تغییرات چه سمت و سویی را خواهد پیمود توافق کم‌تری وجود دارد. مطالعات تاریخی رسانه‌ها بیانگر قابلیت‌های انعطاف‌پذیر و چرخش‌های عمده در مسیر تحول و تکامل رسانه‌ها می‌باشد. لذا، پرداختن به چشم‌اندازی آینده‌گرایانه اعم از خوش‌بینانه و بدبینانه، اساساً نمی‌تواند با واقعیت‌های موجود به‌ویژه رابطه‌ی جامعه و انسان و فن‌آوری‌های ارتباطی منطبق باشد (نیومن، هارگیتای، دیمگیو، ۲۰۰۱). لذا با وجود قابلیت‌ها و امکانات معدودی که اینترنت به‌همراه دارد، هنوز در پاره‌ای از موارد با محدودیت‌های عمده‌ای مواجه می‌باشد. به‌عنوان مثال: تمرکززدایی از اینترنت با وجود نقش سرویس‌دهنده‌ها^۱ در توزیع و اشاعه‌ی خدمات اینترنتی و امکان کنترل کاربران از این طریق از محدودیت‌های این رسانه شمرده می‌شود. علاوه بر محدودیت‌های فنی، به‌لحاظ هنجاری و اخلاقی نیز این رسانه‌ی ارتباطی، به دلیل فقدان یک اخلاق اینترنتی مناسب با فضای سایبر، با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. به‌عبارت دیگر: سرعت و نیروی تغییر و تحولی که اینترنت ایجاد کرده‌است، هنوز با اخلاقیات سنتی و فردی ما منطبق نمی‌باشد که نتیجه‌ی آن تنش بین اخلاقیات سنتی و جدید است (أبرین، ۱۹۹۹). از سوی دیگر، فن‌آوری ارتباطی هم‌چنان که می‌تواند عامل عمده‌ای در رهایی‌بخشی باشد، می‌تواند زمینه‌ساز اشکال نوین سلطه نیز باشد. پاستر، نظارت الکترونیکی را به مثابه‌ی فوکو^۲ (سراسربینی) می‌بیند که نه فقط قدرت - دانش را تقویت می‌کند؛ بلکه قادر است تا با افزایش و تکثیر اطلاعات الکترونیکی و اسناد دیجیتال، عاملی عمده‌ای در افزایش کنترل و نظارت بر افراد باشد (لایون، ۱۳۸۰: ۸۵).

وضعیت ایران در عصر رسانه‌های ارتباطی نوین

به‌لحاظ تاریخی، بحث از هویت به‌مفهوم جدید آن را باید هم‌زمان با انقلاب مشروطه و ظهور تجدد دنبال نمود. پیش از این تاریخ، با توجه به ماهیت پاتریمونیاالیسم سنتی حاکم بر عصر قاجار، اساساً تمایلی در جهت ایجاد یک هویت و همبستگی ملی وجود نداشت. به‌همین دلیل، تعدد و پراکندگی در هویت به‌لحاظ طایفه‌ای، فرهنگی، مذهبی و زبانی و... تداوم داشت. که در بیش‌تر مواقع با ستیزهای

۱- Internet Service Providers (I.S.P) ۲- Foucault

طایفه‌ای، مذهبی و... همراه می‌گردید. چنین ستیزه‌هایی عملاً در بردارنده‌ی کارکردهای مثبتی در جهت تداوم ساختار قدرت پاتریمونالی حاکم بود. همراه با ظهور ایدئولوژی تجدد در عصر پهلوی، برای نخستین بار مسأله‌ی همبستگی ملی و تکوین هویت یگانه، مطرح گردید. از این‌رو، در این عصر شاهد برسازای نوعی هویت فراگیر و یگانه و تضعیف هویت‌های پراکنده‌ی پیشین هستیم. تأکید بر فرهنگ، زبان و هویت ایرانی به‌مفهوم خاص آن، از جمله ویژگی‌های این هویت به‌شمار می‌رود که اساس ایدئولوژی دولت پهلوی قرار گرفت. با فروپاشی رژیم پهلوی و پیدایش انقلاب اسلامی، تحول عمده‌ای در روند هویت‌سازی و منابع آن ایجاد گردید. تأکید بر هویت اسلامی و تضعیف هویت ملی به‌مفهوم مورد نظر در حکومت پهلوی و بی‌توجهی به تجدد غربی از ویژگی‌های این دوره می‌باشد (بشیریه، ۱۳۸۳: ۸۱۳-۸۲۳). در مجموع در هر دو مقطع تاریخی، ایجاد یک هویت فراگیر و یکپارچه در دستور کار بوده‌است. در این زمینه، نقش بنیادین رسانه‌های جمعی و انحصار آن در دست دولت‌ها امری اساسی در جهت ارایه و ترویج هویت بوده‌است. فقدان تکثر رسانه‌ای و نیز شرایط و ساختار سیاسی - اجتماعی و فرهنگی حاکم وضعیت ویژه‌ای را برای شکل‌گیری گروه‌ها اقدام آزادانه آنان در یک حوزه عمومی موجب شده است. در این رابطه، می‌توان از منظر روی‌کرد ارتباطی و نقشی که کنشگران اجتماعی در تولید نماد، انتقال، مصرف و فهم تفسیر معانی برعهده‌دارند، نوع قدرتی را که در ساخت هویت‌های اجتماعی دخیل هستند، مورد نقد قرارداد (منتظر قائم، ۱۳۷۹: ۲۵۷). از آن‌جا که ساختارهای ارتباطی و رسانه‌ها از مهم‌ترین بسترها و منابع ساخته‌شدن هویت و نقد و تفسیر مستمر آن هستند، همواره خطر تمرکز و برقراری ارتباط یک‌طرفه و عمودی، از سوی رسانه‌ها امری است که می‌تواند تهدید عمده‌ای در روند هویت‌یابی، قلمداد گردد. با این حال، این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که مخاطبان، نقش عمده و فعالی در انتخاب، گزینش، فهم و تفسیر پیام‌ها ایفا می‌کنند. مطالعات انجام‌شده در زمینه‌ی میزان اثرگذاری رسانه‌ها و واکنش مخاطبان به برنامه‌های مدرنیستی پیش از انقلاب اسلامی، بیانگر برخورد فعالانه و آگاهانه‌ی مخاطبان و روی‌گردانی از رسانه‌های رسمی و گرایش به رسانه‌ها و ارتباطات سنتی نظیر مساجد، هیأت‌ها و در پاره‌ای از موارد رادیوهای بیگانه می‌باشد. پس از انقلاب اسلامی نیز، به‌دلایل شرایط حاکم بر نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه، تمایلات گسترده‌ای در جهت استفاده از رسانه‌های ارتباطی نظیر ویدئو،

آنتن‌های ماهواره و اخیراً اینترنت و ارتباطات مجازی، به وجود آمده است. فقدان تکثر رسانه‌ای و همچنین سیاست هنجاری حاکم بر رسانه‌های جمعی در کنار محدودیت‌های عمده در حوزه‌های عمومی، باعث شده است که این رسانه عملاً نتواند بیانگر خواست و تقاضای عمومی جامعه و گروه‌های مختلف آن باشد. از این رو، طبیعی به نظر می‌رسد که در غیاب چنین شرایطی و با توجه به قابلیت‌های عمده‌ای که در اینترنت و فن‌آوری‌های نوین ارتباطی وجود دارد، بخش گسترده‌ای از گروه‌ها و نیروهای اجتماعی، اینترنت را ابزاری در جهت بیان دیدگاه‌ها، عقاید و تفاوت‌های خود قرار دهند. رشد فزاینده‌ی گروه‌های مختلف در دهه‌های کنونی و افزایش بی‌شمار وب‌سایت‌ها و اجتماعات آنلاین و مجازی و همچنین حجم وسیع مطالب مطرح شده در این زمینه، بیانگر تحولات عمده‌ای در تعیین سیاست‌های هویتی می‌باشد. به لحاظ زمانی، ایران، پس از اسرائیل، اولین کشور خاورمیانه است که در سال ۱۹۹۳ م. به اینترنت دسترسی یافت. با این حال، کاربرد اینترنت در این دوره، عمدتاً معطوف به مراکز پژوهشی و دانشگاه‌ها بود (محمدی، ۲۰۰۲: ۴۷). هم‌زمان با تجاری شدن اینترنت در سراسر جهان و حضور بخش خصوصی در جهت ارایه و توزیع خدمات اینترنتی، استفاده از این رسانه در سطحی وسیع و همگانی در جامعه رواج یافت. ورود اینترنت به کشورهای جهان سوم، تبعات و واکنش‌های متفاوتی را به دنبال داشته است. اغلب این کشورها، بنا به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی خویش، طیف متنوعی از واکنش‌ها را ابراز نموده‌اند. در ارتباط با ایران، بسیاری از صاحب‌نظران، فقدان یک استراتژی و جهت‌گیری روشن، واقع‌بینانه و منطبق با روی‌کردهای علمی را یکی از موانع و مشکلات اصلی در مواجهه با این تکنولوژی می‌دانند. به عبارت دیگر: هم‌چنان که فن‌آوری‌های ارتباطی بر صورت‌بندی اجتماع و مناسبات انسانی تأثیرگذار می‌باشند، متقابلاً جامعه و سیاست‌های هنجاری حاکم بر آن نیز، بر نحوه‌ی استقرار و عملکرد رسانه‌ها مؤثر است. به عنوان مثال: یکی از مسایل اساسی دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه که با ممانعت‌های گسترده‌ای همراه بوده است، کاربرد دموکراتیک اینترنت به‌ویژه در جهت نقد وضع موجود می‌باشد. این در حالی است که اساساً یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی اطلاعاتی وجود یک زیرساخت اطلاعاتی مناسب و رشد فزاینده‌ی تقاضا برای اطلاعات و همچنین شفافیت بیش‌تر تصمیم‌گیری‌های سیاسی می‌باشد (ص ۴۹). در سال‌های اخیر، استفاده از اینترنت و فضا‌های مجازی توسط افراد و گروه‌های اجتماعی،

سیاسی و... بالأخص در بین جوانان رشد شتابانی داشته‌است. در این خصوص، چت‌روم‌ها به‌عنوان یکی از پرطرفدارترین میدان‌های اینترنتی، شرایط جدیدی را برای کاربران خود ایجاد نموده‌است و مرزهای تازه‌ای را در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هویت جوانان به‌وجود آورده‌است (ذکایی، ۱۳۸۳: ۲-۳).

در مجموع، استقبال افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، می‌تواند پی‌آمدهای گوناگون و بعضاً متعارضی را بر هویت فردی، جمعی و انسجام و یکپارچگی اجتماعی داشته‌باشد. از یک‌سو، امکان شکل‌گیری اجتماعات فراملی مجازی و هم‌گرایی بین‌افراد و اجتماعات پراکنده در سطح درونی می‌تواند منجر به تقویت پیوندها و به‌عبارتی، سرمایه‌ی اجتماعی گردد و از سوی دیگر، این امکان نیز وجود دارد که چنین پیوندهایی عملاً به‌دلیل فقدان یک ارتباط سازنده و مبتنی بر اعتماد با سطوح کلان نظام سیاسی اجتماعی و فرهنگی، عامل عمده‌ای در کاهش انسجام اجتماعی و همبستگی‌های ملی گردند. با این حال، اینترنت فرصت‌های بسیاری را در جهت بسط سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد و تبدیل ارتباطات عمودی به ارتباطات افقی داشته‌است. این جریان می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت فعالانه‌ی همه‌ی گروه‌های اجتماعی، در جهت تکوین فرهنگ و هویت اجتماعی باشد. بنابراین، رسانه‌ها عملاً قادرند از طریق بسط حوزه‌ی عمومی و گسترش ارتباطات و تعاملات بین‌فردی و اجتماعی عامل عمده‌ای در افزایش و همبستگی‌های اجتماعی باشد. (نمونه چنین امری را می‌توان، در واکنش گسترده‌ی و خودجوش وبلاگ‌نویسان و کاربران اینترنت در زمینه‌ی تغییرنام خلیج فارس و سایر موارد ملاحظه نمود.) چنین تأثیرگذاری، بدون اتخاذ سیاست و استراتژی روشنی در قبال رسانه‌ها و ترسیم منشور حقوقی کاربران اینترنت و حفظ و حراست از آن، ممکن نمی‌باشد که البته این خود، مستلزم حفظ و ترویج تنوع فرهنگی و حق دسترسی به فرهنگ برای همگان و به‌عبارتی گسترش دموکراسی فرهنگی و گشوده‌ماندن مفاهیم و تعاریف موجود از هویت و امکان پرسش و بازاندیشی مؤلفه‌های اساسی فرهنگ و هویت فردی و اجتماعی می‌باشد. که این امر می‌تواند به‌جای تفرق و پراکندگی، زمینه‌ساز اجماع و توافق نظر بیش‌تری گردد.

نتیجه‌گیری

از آن‌جا که ارتباطات، اعم از فردی و اجتماعی، سنتی یا مدرن، نقش به‌سزایی در

شکل‌گیری هویت دارند، بالتبع، تحول در نظام‌های ارتباطی می‌تواند دگرگونی‌های عمده‌ای را در روند تکوین هویت ایجاد کند. به‌طورکلی رسانه‌های نوین ارتباطی به‌ویژه اینترنت، از طریق کاهش اهمیت زمان و مکان و اهمیت یافتن فضا در زندگی اجتماعی، فرصت‌های نوینی را در جهت تعامل خود و شبکه و فرایند شکل‌گیری هویت به‌وجود آورده‌اند.

بین‌المللی‌شدن ارتباطات و تضعیف پیوندهای سنتی بین فرهنگ و جغرافیا و هم‌چنین کاهش اقتدار و مشروعیت رژیم‌های سیاسی در تحمیل یک هویت مشروعیت‌بخش و کنترل مرزهای عقیدتی، به‌واسطه‌ی رشد فضاهای مجازی باعث گردیده است که برای نخستین‌بار کنترل همه‌جانبه‌ی نظام‌های سیاسی بر روند درونگری و هویت‌یابی فردی و اجتماعی باچالشی جدی مواجه گردد. براین اساس، گسترش تعاملات روزمره در فضاهای مجازی، نقش عمده‌ای را بر رشد سرمایه‌ی اجتماعی و حوزه‌های مجازی و هم‌چنین برقراری تعاملات و پیوندهای چندسویه بین افراد و گروه‌ها و هم‌چنین اجتماعات مجازی داشته‌است. چنین امری به‌ویژه در جوامعی که به‌لحاظ سنت‌های مدنی و اجتماعی از پیشینه‌ی ضعیف‌تری برخوردارند، می‌تواند نتایج متفاوتی را به‌همراه داشته باشد. از یک‌سو این احتمال وجود دارد که همراه با گسترش پیوندهای بین‌فردی و گروهی به‌واسطه‌ی ارتباطات مجازی، زمینه برای تقویت سرمایه و اعتماد اجتماعی در بین گروه‌های اجتماعی و هم‌چنین دست‌یابی به نوعی مشارکت و وفاق در حوزه‌های واقعی زندگی مهیا گردد. در مقابل این احتمال نیز وجود دارد که عملاً دست‌یابی به چنین وضعیتی، با توجه به فضاهای دیالکتیکی در هر دو حوزه‌ی مجازی و واقعی دشوار باشد و عملاً در صورت فقدان یک نظام هنجاری دموکراتیک در سطح جامعه و رسانه‌ها چالش‌های عمده‌ای را برای نظام هویتی و هنجاری مسلط در جامعه ایجاد نماید. از این‌رو، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که اگرچه دست‌یابی به یک هویت عام و مورد توافق همگان در این حوزه‌ی مجازی به مثابه‌ی حوزه‌های عمومی زندگی اجتماعی امری دشوار به‌نظر می‌آید؛ اما از آن‌جا که هویت همواره در بستر مجموعه‌ای از فضاهای دیالکتیکی و متناقض شکل می‌گیرد، دست‌یابی به هویتی یگانه و قطعی از جانب افراد و گروه‌های اجتماعی نیز غیرممکن به‌نظر می‌رسد. تحت چنین شرایطی، روند هویت‌یابی با توجه به تحولات مستمر آن، همواره امری گشوده باقی‌مانده و زمینه برای تعاملات گسترده بین گروه‌های



اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مختلف فراهم می‌آید. از این‌رو نسبی‌شدن روند هویت‌یابی در عصر جهانی‌شدن ارتباطات، از آن‌جا که می‌تواند، دامنه و حوزه‌ی عمل کنشگران اجتماعی را در خلق نظام معنایی و هویتی خود گسترش‌دهد، ماهیتاً رهایی‌بخش می‌باشد.

Archive of SID



منابع :

الف) منابع فارسی

- ۱- بشیریه، حسین (۱۳۸۳): *عقل در سیاست*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۲- کاستلز، امانوئل و مارتین اینس (۱۳۸۴): *گفت‌وگوهایی با امانوئل کاستلز*، ترجمه‌ی حسن جاوشیان، تهران: نشر نی.
- ۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ۴- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱): *جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت*، تهران: نشر نی.
- ۵- ذکایی، سعید (۱۳۸۳): «جوانان و فراغت مجازی»، *فصلنامه‌ی مطالعات جوانان*، ش ۶، صص ۲-۳.
- ۶- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰): *جهانی‌شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه‌ی کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- ۷- تامپسون، جان (۱۳۸۰): *رسانه‌ها و مدرنیته، نظریه اجتماعی رسانه‌ها*، ترجمه‌ی مسعود اوحدی، تهران: نشر سروش.
- ۸- _____ (۱۳۸۰): *جهانی‌شدن فرهنگ، ترجمه‌ی محسن حکیمی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۹- منتظر قائم، مهدی (۱۳۷۹): «رسانه‌های جمعی و هویت»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ش ۴، صص ۲۲۵-۲۷۹.
- ۱۰- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۹): «فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ش ۶، صص ۱۷۱-۱۹۱.
- ۱۱- مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۳): «اینترنت و حوزه‌ی عمومی»، *فصلنامه‌ی رسانه*، ش ۳، صص ۱۲۰-۱۲۳.
- ۱۲- پاستر، مارک (۱۳۷۷): *عصر دوم رسانه‌ها*، ترجمه‌ی غلامحسین صالحیار، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی ایران.
- ۱۳- لایون، دیوید (۱۳۸۰): *پسامدرنیته*، ترجمه‌ی محسن حکیمی، تهران: انتشارات آشتیان.
- ۱۴- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۳): *جهانی‌شدن و جهان‌سوم*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

ب) منابع لاتین

- ۱- Anabel, Quan & Barry Wellman (۲۰۰۰); *How Does the Internet Affect Social Capital*, [http://www.cnass.utoronto.a/vellmanpublication/internetsocialcapital / net-sc-09.pdf](http://www.cnass.utoronto.a/vellmanpublication/internetsocialcapital/net-sc-09.pdf).
- ۲- Barrie Gordon, Jacob (۲۰۰۴); *Does the Internet Provide the Basis for a Public Sphere that Approximates to Habermas Wision*, <http://www.jakeg.co.uk>.
- ۳- Curran, James (۲۰۰۲); *Media and Power*, London: Routledge.
- ۴- DiMaggio, Paul, Hargittai & Neuman (۲۰۰۱); *Social Implicational of the Internet*, [http://www.webuse.umd. Ed/handouts/publication/ARS2001.pdf](http://www.webuse.umd.Ed/handouts/publication/ARS2001.pdf).



- ۵- Eleonore Kofman & Gillian Youngs (۲۰۰۳); *Globalization, Theory and Practice*, Great Britain Biddles Ltd.
- ۶- Gens Ulrich (۲۰۰۴); The Internet as a Political Public Sphere a Theoretical Discussion of the Democratic Potential of the Internet, <http://www.trafikdage.dk/writeable/dnpaper۳۹.pdf>.
- ۷- Ito, J. (۲۰۰۴); *Weblog and Emergent Democracy*, <http://joi.ito.com/static/emergentdemocracy.html>.
- ۸- Kellner, Douglas (۱۹۹۷); *Intellectuals the New Public Sphere and Techno-politics* <http://www.gseis.ucla.edu/courses>.
- ۹- Marie, Gilles Pie (۱۹۹۵); *Television Ethnicity and Cultural Change*. London: Routledge.
- ۱۰- Mohammadi, Ali (۲۰۰۲); *Islam Encountering Globalization*, London: Routledge Curzon.
- ۱۱- QBaail, Anderw (۲۰۰۰); *Weblogs and the Public sphere*, <http://blog.lib.umn.edu/blogsphere/weblogs-and-the-public-sphere/html>.
- ۱۲- Obrien, Rory (۱۹۹۹); *Civil Society the Public Sphere and the Internet*, <http://www.web.net/~robrien.papers/civsoc>.
- ۱۳- Slevin, James (۲۰۰۰); *The Internet and Society*, Cambridge UK Oxford UK Malden USA: Polity press.
- ۱۴- Roberta, Lamb & Mark Poster (۲۰۰۲); *Transitioning Toward and Internet Culture* an Interorganizational Analysis of Identity Construction from online Services to internet, <http://lamb.cba.hawaii.edu/pubs/InternetCulture.pdf>.
- ۱۵- Robinson, Joshua Kaldor (۲۰۰۲); *The Virtual and the Imaginary: The role Diasporic New Media in the Construction of a National Identity During the break-up*.
- ۱۶- Volkmer, Ingrid (۲۰۰۲); *Dialectical Spaces in the Global Public Sphere: Media Memories across Generations*, <http://www.ksg.harvard.edu/presspol/research-publication/papers/working-papers/۲۰۰۲-۵.pdf>
- ۱۷- Wijnia, Elmine (۲۰۰۴); *Understanding Weblog: A Communication Perspective*. http://elmine.wijnia.com/weblog/archives/wijnia_understandingweblogs.Pdf#search='understanding%۲۰weblogs.